

سالروز شهادت تفرمانده لگرد از «حبیب بن مظاهر»

۱۹ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۵۹

۱۹ اسفند سالروز شهادت عمران پستی هاشجین، شهید گمنامی است که در عملیات «خیبر» در جزیره مجنون آرامید و پیکر پاک وی هنوز یافت نشده است.

نوزدهمین روز از آذر سال ۱۳۳۸ می گذشت. صدای گریه نوزادی در شب بلند پاییزی که به هوای سرد و سوزناک هاشجین گرمای لطیفی بخشیده بود در فضای خانه می پیچید. آن شب ستاره‌ها آسمان را تنها گذاشته بودند. در خانه محمدعلی میهمانی به پا بود و آسمانیان و ستاره‌ها شاهد لحظه شیرین تولد دومین فرزند خانه بودند و پدر برای قدردانی از خدا قرآن را در دست گرفت و سوره‌ای تلاوت کرد. نام سوره مریم بود و کودک عمران نام گرفت.

استحکام عقیده با مطالعه آثار شریعتی و شهید مطهری

کودکی عمران در مدرسه‌ها گذشت. برای رسیدن به هدفش موانع بزرگی را از پیش رو برداشت و غربت از محل زندگی و سختی‌های شهرنشینی را بر تن خرید و در ۱۴ سالگی روستا را ترک کرد و در دبیرستان شاه عباس اردبیل مشغول علم‌آموزی شد. دوران دبیرستان از عمران مردی خودساخته و شجاع ساخت و او را به مقاومت در برابر سختی‌های پیش رو آماده کرد. طی این مدت با مطالعه کتاب‌های شهید مطهری و دکتر شریعتی فکر خود را پرورش داد و به عقیده مستحکم و بینش جامعی در باب اسلام شناسی دست یافت.

دوران دبیرستان را با اخذ مدرک دیپلم ریاضی فیزیک به پایان رساند و در رشته جامعه شناسی دانشگاه تهران پذیرفته شد.

عمران کتاب‌های بنی‌صدر را نیز می‌خواند و همیشه می‌خواست با منطق تفکرات انحرافی و زهرآلود او را تخریب کند.

در طول دوران دانشجویی خود به همراه یاران انقلابی‌اش و با تشویق جمعی از اهالی هاشجین به پای منبر رفته و چند شبی را در مسجد هاشجین به تحصن می‌نشیند و حتی در مقابل تهدیدهای ساواک مقاومت می‌کند. اما با نواختن زنگ انقلاب فعالیت‌های سیاسی عمران شکل تازه‌ای گرفته و در ۱۲ بهمن ۵۷ به کمیته استقبال از امام(ره) می‌پیوندد. حضور امام در میهن انگیزه وی را برای ایستادگی در برابر رژیم طاغوت بیشتر می‌کند. در ۱۳ آبان ۵۸ به همراه سایر دانشجویان پیرو خط امام دست به تسخیر لانه جاسوسی آمریکا می‌زند.

حضور در جبهه

با آغاز جنگ تحمیلی حضور در جبهه‌های حق علیه باطل را بر خود وظیفه دانسته و خانه را به مقصد جنوب ترک می‌کند. بعد از چند ماه با «اکرم جندقی‌زاده» خواهر پاسدار آشنا شده و تصمیم می‌گیرد برای عمل به سنت نبی اکرم (ص) قدمی برای کامل کردن دین خود بردارد. آنها در روز ۱۸ شهریور سال ۶۲ به پای سفره عقد می‌نشینند و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و رئیس‌جمهور وقت خطبه شروع فصل زندگی مشترک آنها را جاری می‌کنند و این بار سعادت نصیب اکرم می‌شود تا در کاروان عشق و محبت عمران برگ سبزی از زندگی را ورق بزند. عمران فردای عروسی بار سفر بسته و برای دفاع از میهن به جبهه می‌رود. بدین ترتیب آوازه رشادت مقاومت و هوش خارق‌العاده عمران به گوش «حاج ابراهیم همت» فرمانده «لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص)» می‌رسد و پس از عملیات «والفجر ۱» طی حکمی از سوی شهید همت، عمران پستی مسئول گردان «حبیب بن مظاهر» می‌شود.

بعد از عملیات وقتی به خانه می‌آید به مادر و خواهر خود می‌گوید که آرزو دارم شهید شوم و می‌دانم خدا این آرزویم را برآورده می‌کند. شاید جنازه‌ام به دست شما نرسد. سر مزار هر شهیدی که رفتید و فاتحه‌ای خواندید به من هم می‌رسد.

آخرین رفتن عمران رنگ و بوی رفتن پیش خدا داشت. اکرم از چشمان همسرش می‌خواند که تا لحظه شهادت چند صباحی بیش نمانده است. در روز ۲۲ بهمن سال ۶۲ چشم اکرم گره می‌خورد به آخرین نگاه عمران اما عمران اسیر دنیا نمی‌شود وضو گرفته و راهی جبهه می‌شود.

آخرین صحنه از بودن عمران

آخرین صحنه‌ای که از عمران در یاد همسنگران‌ش مانده لحظه آخر عملیات خیبر در جزیره مجنون است. یکی از آن‌ها نقل می‌کند: روز ۱۹ اسفند سال ۶۲ گردان حبیب‌بن مظاهر تحت فرماندهی عبدالله پستی در طلائیه به محاصره دشمن می‌افتد و هلی‌کوپترهای دشمن روی پل طلائیه رزمندگان را به رگبار می‌بندند. عمران مورد اصابت گلوله دشمن قرار می‌گیرد اما با وجود جراحت شدید «الله اکبر» گویان نیروهایش را به پیشروی فرا می‌خواند و به معاونش دستور حرکت می‌دهد. گردان به پیشروی ادامه داده پس از چند ساعت مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. در یک لحظه تمام منطقه با خاک یکسان می‌شود. لحظه وصال فرا می‌رسد. عمران شهد شهادت را گوارای وجود می‌کند و حتی اثری از پیکر پاکش در زمین باقی نمی‌ماند و او از آن زمان تاکنون مفقودالامر است.

منبع: ایسنا

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۸۱۵/مظاهر-بن-حبیب-گردان-فرمانده-سالروز-شهادت>